

شاخه نبات

زندگی پرماجرایی حافظ و شاخ نبات (عشق آتشین)

نویسنده:
حمزه سردادور

سرشناسه:	سردادور، حمزه، ۱۲۷۵ - ۱۳۴۹.
عنوان و نام پدیدآور:	شاخه نبات / نویسنده حمزه سردادور.
مشخصات نشر:	تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی پر، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری:	۳۴۴ ص.
شابک:	978-600-8137-10-8
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
عنوان دیگر:	زندگی پرماجرایی حافظ و شاخ نبات (عشق آتشین).
موضوع:	حافظ، شمس‌الدین محمد، - ۷۹۲ق -- داستان
موضوع:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره:	PIR۸۰۹۵/ر۴۳:۹۳ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی:	۸۳۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۴۰۷۵۰۸۲

انتشارات پر

- نام کتاب: **شاخه نبات**
- نویسنده: **حمزه سردادور**
- صفحه آرای: **منیر علیزاده**
- نوبت چاپ: **۱۳۹۵**
- تیراژ: **۵۰۰ نسخه**
- قیمت: **۱۸۰۰۰ تومان**
- شابک: **۹۷۸-۶۰۰-۸۱۳۷-۱۰-۸** ISBN: 978-600-8137-10-8

آدرس: **خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳**
 تلفن: **۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۶۶۴۶۶۳۶۰**

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	سخن ناشر.....
۷	۱- دختری در هیبت پسران.....
۶۱	۲- عشق آتشین.....
۸۷	۳- حافظ قرآن.....
۱۰۶	۴- جدال با رقیب.....
۱۵۵	۵- عشق و جدایی.....
۱۸۶	۶- فکر پلید.....
۲۲۴	۷- در آتش هجران.....
۲۵۱	۸- در انتظار ازدواج.....
۲۸۳	۹- در دام رقیب.....
۳۲۳	۱۰- آغازی دیگر.....

سخن ناشر

حمزه سردادور از پاورقی‌نویسان قدیمی ایرانی است که رمان‌های تاریخی فراوانی از وی در چند دهه‌ی اخیر به بازار کتاب راه یافته است و تجدید چاپ‌های متعدد این آثار نشانگر محبوبیت و عامه‌پسندی آن‌ها است. سردادور در سال ۱۲۷۵ هجری شمسی در تبریز به دنیا آمد، وی تحصیلات خود را در مدرسه اقبال که به نام مدرسه روسی شهرت یافته بود به پایان رساند. او چون به زبان روسی تسلط کافی داشت به استخدام بانک استقراض روس درآمد و عازم اصفهان گردید. از طرفی مرحوم سید ضیاءالدین طباطبایی که روزنامه معتبر و پرطرفدار «رعد» را منتشر می‌نمود، از حاکم اصفهان تقاضای یک خبرنگار و نماینده را نمود که حمزه سردادور را به وی معرفی نمودند و از همین زمان بود که وی همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد.

استاد حمزه سردادور اولین اثر خود را که ترجمه‌ای از مستشرق معروف روس «بارتولد» بود به نام جغرافیای تاریخی منتشر نمود که با استقبال بسیار روبرو گردید و از آن زمان همکاری خود با مطبوعات را ادامه داد و مقالات و ترجمه‌های بسیاری را منتشر کرد.

از دهه بیست تا اواخر دهه چهل در مجله «اطلاعات هفتگه» پاورقی نوشت و از عوامل جذابیت و فروش آن مجله، یکی نیز داستان‌های پیرآب و تاب سردادور بود که پس از پایان چاپ آن‌ها در مجله، به شکل کتاب نیز در اختیار مخاطبین قرار می‌گرفت. بیش از پانزده داستان بلند به رشته تحریر درآورد که ابتدا در مطبوعات منتشر شد و بعد بسیاری از آنان به صورت کتاب انتشار یافت که با استقبال فراوان روبرو شد.

برخی از این آثار عبارتند از: زندان، قلعه قهقه، از صید ماهی تا یادشاهی، در پس پرده، مه‌لقا، آزاد زنان، کیمیاگران، دختر قهرمان، افسانه‌ی قاجار، بانوی سربدار و..

وی در داستان‌سرایی بسیار چیره دست بود و بسیار زیبا با کلمات بازی می‌کرد و داستانی را خلق می‌نمود. از خصوصیات فردی وی می‌توان به مهربانی، پاکی و خوش‌قلبی اشاره کرد. سرانجام مرحوم استاد حمزه سردادور در تاریخ ۱۳۴۹/۱۱/۲۰ در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

شهرت شاخه‌نبات در شعر فارسی و نزد کسانی که حافظ را می‌شناسند و به او ارادت دارند، در هیچ کجای دنیا، کم‌تر از شهرت خود حافظ نیست و این، در حالی است که تا پیش از زمان نگارش رمان شاخه‌نبات توسط حمزه سردادور، مجموع اطلاعاتی که درباره‌ی شاخه‌نبات و ارتباط وی با حافظ وجود داشت، از سطوری پراکنده در لابلای کتب و رسالات مختلف تجاوز نمی‌کرد.

حمزه سردادور، اگر اولین نفری نباشد که چنین کاری کرده، لاقلاً یکی از اولین نویسندگانی است که با تحقیق و تتبع در منابع مختلف ادبی و تاریخی، اطلاعاتی در حد مقدور، از زندگی خصوصی حافظ و شاخه‌نبات به‌دست آورده و آن اطلاعات را در قالب رمان دلنشینی ریخته که هم‌اکنون در اختیار دارید.

لازم به ذکر است که حافظ علاوه بر برخورداری از فیوضات الهی که در شب قدر بر او نازل شد و سینه‌اش را مخزن اسرار ساخت، بخش عمده‌ی مهارت و ممارست خود در غزلسرایی را مدیون عشق آسمانی و بی‌تکلف شاخه‌نبات است که سال‌ها صبورانه به پای وی نشست و بعد از آن که مجال ازدواج با حافظ را به‌دست آورد، در تمام بد و خوب‌های زندگی، شریکی وفادار برای وی بود و حافظ، چه عاشقانه آن زن را ستوده، که گفته:

این‌همه شهید و شکر کز سخنم می‌ریزد

اجر صبری است کز آن «شاخه‌نبات» ام دادند

رمان شاخه‌نبات، ضمن اشاراتی به‌اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن هشتم قمری و به‌خصوص سال‌های بعد از مرگ ابوسعید بهادرخان، در بر دارنده‌ی اطلاعاتی دقیق درباره‌ی چگونگی حکومت مغولان، تشریح جنون‌های عاشقانه سلطان ابوسعید، اضمحلال قدرت و شوکت امیرچوپان، ویژگی‌های دوره سلطنت شاه ابواسحاق اینجو، سختگیری و ستمگری امیرمبارزالدین محمد، جنگاوری شاه‌شجاع و بالاخره قتل خان‌سلطان به‌دست شوهر اوست و در مجموع، حکم دایره‌المعارفی از تاریخ اجتماعی و سیاسی قرن هشتم قمری را دارد که مطالعه‌اش برای کسانی هم که به تحقیقات تاریخی علاقمندند، مغتنم است.

دختری در هیبت پسران

آن دختر ماه‌منظر که در یک خاندان بزرگ به دنیا آمده و غرق در ناز و نعمت می‌زیست، از جمال و کمال به حد اعلی بهره‌مند و از حیث عقل و هوش و میان همتایان بی‌مانند بود. دختران هم‌سن و سال او، مخصوصاً دوشیزگان بزرگ‌زاده و پُر حشمت و جلال بر او حسد می‌بردند و خوش به حالش می‌گفتند. آنچه آنان را متحیر می‌ساخت، این بود آن دختر، با تمام زیبایی و رعنائی و با این‌که از همه نعمت‌ها برخوردار بود و به نظر آنان کم‌ترین کسری یا کمبودی در زندگی نداشت، اغلب اوقات قیافه‌اش گرفته و اندیشناک به نظر می‌رسید. از معاشرت با دختران و زنان گریزان بود. اگر هم گاهی از روی اجبار در مجلسی حاضر می‌شد، با وجود تمام وسایل تفریح و خنده که در مجالس جشن و سرور و عقد و عروسی فراهم بود، خنده که سهل است، حتی تبسمی بر لبانش نقش نمی‌بست. بعضی‌ها حالات او را حمل بر کبر و غرور می‌کردند و می‌گفتند چون عمویش در صدد تصاحب تاج و تخت ایران است، خان‌سلطان کسر شأن خود می‌داند با زبردستان آتی خود هم‌ردیف باشد.

عده‌ی دیگر، تصور می‌کردند خان‌سلطان به درد عشق آتشینی گرفتار است که شب و روز به عشق خود فکر می‌کند. اما همه می‌دانستند آن دختر به هر جوانی از هر طبقه که باشد، اگر اظهار علاقه کند، معشوق مقابلش به خاک خواهد افتاد.